

این دومین بار است که دانشکده الهیات و معارف اسلامی، نشریه خود را در سه بخش و به چهار زبان فارسی و عربی انگلیسی و فرانسه تقدیم خوانندگان می‌نماید. اهل پژوهش و کتاب می‌دانند که با شرایطی که امروز بر امر چاپ حکمفرماست، چه دشواریها باید تحمل کرد تا مجله‌ای بصورت برازنده‌ای انتشار یابد، بویژه اگر مطالب این مجله پژوهش‌هایی باشد که بخواهد پاکترین سرچشمه‌های فرهنگ اسلامی ایران را آبخشور قرار دهد، و می‌دانیم که این‌گونه تحقیقات هنوز آنچنانکه شایسته فرهنگ ارجمند فارسی است، مورد قبول عام واقع نگردیده است.

این سه دفتر، نتیجه کوشش‌های خالصانه استادانی است که از صمیم قلب فرهنگ این آب و خاک را ارج می‌نهند و امیدوارند کم‌کم این حفره‌های ژرفی را که در سراسر فرهنگ اسلامی فارسی بوجود آمده، بقدر توان خود پرکنند. اما دامنه فرهنگ اسلامی ما آنچنان نیست که بتوان همه گوشه‌های آنرا در یک یا چند نشریه جمع آورد. موضوع‌هایی چون فقه و مبانی حقوق اسلامی، هنر و تاریخ و جغرافیای اسلامی، فلسفه اسلامی، مذاهب مختلف اسلامی و مقایسه آنها با ادیان دیگر، بررسی آن بخش عظیم از فرهنگ ایرانی که در قالب زبان عربی جای گرفته و ناچار از دسترس بیشتر ایرانیان بدور مانده، همه موضوع‌های اصلی پژوهش و آموزش دانشکده الهیات را تشکیل می‌دهد. اما پیش از این کسی درصدد آن نبوده است که این بخش‌های بی‌شمار و درهم آمیخته را به نحو شایسته و روشنی از هم مجزا کند و آنها را آنچنان نظمی بخشد که آیندگان هم بتوانند از آنها استفاده کرده کارهای پژوهشی را از آن نقطه‌ای آغاز

کنند که گذشتگان کار خود را در آن ختم کرده بودند. بهمین جهت است که اینک یکی از دشواریهای عمده پژوهشگر اسلامی، تکراری بودن موضوعها در کتابهای فارسی و عربی است، و نیز مسیر تاریخی و سیر منطقی تفکر در بیشتر زمینههای علمی از نظر دانشجویان دورههای عالی و یا پژوهشگران تازه کار پنهان است و برای دست یافتن بر این زمینهها که اساس مطالعات بعدی را بر آن باید نهاد، گاه سالها وقت صرف میشود.

دراثر همین گسیختگی و پراکندگی پژوهشهاست که گاه می بینیم در نشریه‌های مانند «مقالات و بررسیها» که خود را در ردیف بهترین نشریه‌ها می‌پندارد، مقاله‌ای در فلسفه یا در منطق و یا موضوعهای دیگر انتشار می‌یابد که در نوع خود کم نظیر است و در سطحی عالی قرار دارد. اما این گونه مقاله از دسترس اکثر خوانندگان به دور می‌ماند، زیرا هنوز مطالعات پایه‌ای آن تحقیقات آنقدر گسترش نیافته، یا اصلاً هنوز بصورت کلاسی تدوین نشده که بتوان امیدوار بود گروه کثیری از آنها آگاه باشند و مقالات تحقیقی عالی را آسان‌تر بخوانند. این ضعف حتی در حد واژگان یا مجموعه اصطلاحات علوم مختلف همچنان چشمگیر است. مثلاً کتابهایی که در زمینه هنر اسلامی توسط استادان دانشکده الهیات یا محققان دیگر تألیف یا ترجمه میشوند، هر کدام، بر حسب زبان بیگانه‌ای که مؤلف یا مترجم می‌داند، شامل انبوهی کلمه یا اصطلاح خارجی میگردد، و یا کلمه‌هایی در آنها بکار میرود که در حقیقت ترجمه‌های خشکی از واژه‌های بیگانه بیش نیست و فاقد هر گونه مفهوم اصیل یا معنای تاریخی معهود است. حال آنکه گمان نمیرود زبان فارسی در موضوعهائی چون معماری کهن، پارچه‌بافی، قالی‌بافی، کاشی‌سازی و یا سفالگری نیازی به مصطلحات بیگانه داشته باشد. پیداست که در این باب، مترجمی یا مؤلفی و یا مرکز خاصی مورد انتقاد نیست، بلکه مراد آنست که بگوئیم گروه‌های

پنجگانه و دفتر نشریه دانشکده الهیات عمیقاً از مسئولیت سنگینی که بمعهده دارند آگاه‌اند، و می‌دانند که کار تحقیق در مطالعات اسلامی را، تقریباً در همه موارد، باید از نو آغاز کرد، و آنچه را طی سالیان دراز به‌روی هم انباشته‌اند، بوسیله فیش‌بندی و فهرست‌نویسی، نظمی تاریخی و منطقی و قابل بازیافتن بخشید، و نیز باید دست‌افزارهای فنی این علوم را که مهمترین آنها لغتنامه‌های اختصاصی است، فراهم آورد. برای اینکار، دانشکده الهیات، ضمن پرهیز از برخی تفکرات که جهت تحقیقی آنها روشن نیست، به‌ترتیب نیروی انسانی، چه در خارج و چه در داخل ایران، توجه خاص می‌کند و با تهیه اعتبارات مالی و نیز ایجاد محلی که از هر جهت شایسته این دانشکده باشد، امیدوار است هرچه زودتر به‌هدف میهنی خود برسد.

آ. آذرنوش